

یادداشت

ایران؛ پیروزی در نقطه صفر

به بیان دیگر، جنگ نشان داد که «قدرت پایدار» الزاما در پیشرفته‌ترین تسلیحات خلاصه نمی‌شود، بلکه در توان جذب ضربه و تداوم کارکرد سیستم نیز معنا پیدا می‌کند. در پس تغییر لحن ناگهانی واشنگتن و حرکت به سمت پذیرش آتش‌بس، نشانه‌هایی از ناکامی‌های عملیاتی نیز مشاهده می‌شود. برخی از عملیات‌های طراحی‌شده برای تغییر موازنه، نه‌تنها به اهداف خود نرسیدند، بلکه هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای ایجاد کردند. این ناکامی‌ها، همراه با فشارهای اقتصادی و نگرانی از گسترش بحران، تصمیم‌گیران آمریکایی را به این جمع‌بندی رساند که ادامه مسیر، نه‌تنها دستاوردی نخواهد داشت، بلکه می‌تواند موقعیت جهانی این کشور را تضعیف کند. در چنین شرایطی، پذیرش آتش‌بس، به‌عنوان یک «عقب‌نشینی مدیریت‌شده»، در دستور کار قرار گرفت.

اگر بخواهیم یک نقطه کانونی برای درک برتری نسبی ایران در این بحران معرفی کنیم، بدون تردید باید به تنگه هرمز اشاره کرد. این گذرگاه حیاتی که شریان اصلی انتقال انرژی جهان محسوب می‌شود، در طول این بحران به مهم‌ترین اهرم فشار تهران تبدیل شد. کنترل عملیاتی بر این تنگه، نه‌تنها بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار داد، بلکه نشان داد که قدرت ایران، به طور مستقیم با ثبات اقتصاد جهانی گره خورده است. این همان سطحی از قدرت است که می‌توان آن را «بازدارندگی ژئواقتصادی» نامید؛ نوعی بازدارندگی که نه از طریق تهدید نظامی مستقیم، بلکه از طریق توان اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی اعمال می‌شود. واکنش سریع بازارهای انرژی به خبر آتش‌بس، به‌خوبی نشان داد که جهان تا چه اندازه به ثبات در این منطقه وابسته است. ایران با فعال‌سازی این اهرم، توانست معادله‌ای را شکل دهد که در آن ادامه تنش برای طرف مقابل به معنای پذیرش هزینه‌های جهانی باشد.

در سطح دیپلماتیک، ایران توانست یک گام فراتر بردارد و از صرفِ حضور در مذاکره، به تعیین چارچوب مذاکره برسد. ارائه یک طرح مشخص برای پایان بحران، نه‌تنها نشان‌دهنده آمادگی برای گفت‌وگو بود، بلکه حاکی از آن بود که تهران ابتکار عمل را در دست دارد. این تفاوت ظریف اما تعیین‌کننده است. بسیاری از کشورها وارد مذاکره می‌شوند، اما تنها تعداد محدودی می‌توانند قواعد آن را شکل دهند. ایران در این بحران، با اتکا بر دستاوردهای میدانی، توانست دیپلماسی را به ابزاری برای تثبیت موقعیت خود تبدیل کند. در اینجا، دیپلماسی نه به عنوان جایگزین قدرت، بلکه به عنوان امتداد آن عمل کرد؛ مفهومی که در نظریه‌های نوین روابط بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در جبهه مقابله، شکاف‌های درخور توجهی میان بازیگران وجود داشت. تفاوت در اولویت‌ها و اهداف، به‌ویژه میان آمریکا و برخی متحدان منطقه‌ای، باعث شد یک راهبرد منسجم شکل نگیرد. این شکاف، عملا به ایران امکان داد تا با افزایش هزینه‌های طرف مقابل، آن را به سمت گزینه‌های محدودتر سوق دهد. در واقع، هرچه انسجام در جبهه مقابل کمتر باشد، قدرت مانور برای بازیگری مانند ایران بیشتر می‌شود. تهران با درک این وضعیت، توانست از تضاد منافع میان رقبای به عنوان یک ابزار راهبردی استفاده کند.

در داخل کشور نیز این بحران به نوعی بلوغ درک راهبردی انجامید. تقابل میان گفتمان مقاومت و ضرورت دیپلماسی، در نهایت به یک ترکیب واقع‌بینانه منجر شد. تجربه ۴۰ روزه نشان داد که هیچ‌یک از این دو به‌تنهایی کافی نیستند. آنچه کارآمد است، تلفیق این دو در قالب یک راهبرد چندلایه است؛ راهبردی که هم توان بازدارندگی را حفظ کند و هم مسیرهای خروج از بحران را باز نگه دارد. این توازن، مهم‌ترین سرمایه راهبردی ایران در آینده خواهد بود.

این بحران همچنین نشانه‌هایی از تغییر در معماری دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی را آشکار کرد. ورود فعال بازیگران جدید به فرایند مدیریت بحران، نشان‌دهنده آن است که نظم پیشین در حال تحول است. این تحول، برای ایران یک فرصت مهم محسوب می‌شود، زیرا امکان خروج از چارچوب‌های محدودکننده گذشته و ورود به ترتیبات چندجانبه جدید را فراهم می‌کند. در چنین فضایی، ایران می‌تواند به تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیک خود، نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به نظم آینده منطقه ایفا کند. با وجود آتش‌بس، آنچه پیش‌رو است، به احتمال زیاد یک «آتش‌بس سرد» خواهد بود؛ وضعیتی که در آن، درگیری مستقیم کاهش می‌یابد، اما رقابت در سطوح دیگر ادامه پیدا می‌کند. این وضعیت، بیش از هر چیز نیازمند هوشمندی در مدیریت تعارض است. ایران، با تجربه‌ای که از این بحران به دست آورده، اکنون در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند این مرحله را نیز با دست بالا مدیریت کند. آنچه در فروردین ۱۴۰۵ رخ داد، صرفا پایان یک درگیری نبود، بلکه نقطه عطفی در بازتعریف مفهوم قدرت در منطقه بود. ایران نشان داد که با ترکیب هوشمندانه قدرت نظامی، ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و دیپلماسی فعال، می‌توان نه‌تنها در برابر فشارهای گسترده ایستادگی کرد، بلکه موازنه را نیز تغییر داد. این تجربه، یک پیام روشن دارد: در جهان پیچیده امروز، پیروزی نه در حذف کامل رقیب، بلکه در مدیریت تعارض، تحمیل قواعد بازی و حفظ ابتکار عمل تعریف می‌شود. تهران، با عبور از نقطه صفر، نشان داد که چگونه می‌توان در دل بحران، هم بقا یافت و هم برتری را تثبیت کرد.

توجه به کیفیات فضاهای عمومی شهری در دوران بحران

همچنین، دسترسی به داخل کوچه‌های تنگ و باریک در قسمت‌های قدیمی شهرها و محلات مسکونی تاریخی مشکل‌تر خواهد بود؛ اما اگر شهرداری‌ها وسایل نقلیه مسابسی با اندازه‌های کوچک‌تر برای ایس محلات در نظر بگیرند، بالطبع کمک‌رسانی به آن مکان‌ها در زمان آتش‌سوزی و بمباران با سهولت بیشتری ممکن خواهد بود. روشن است که حضورپذیری و زیست‌پذیری در محلاتی که آسیب بالا دیده‌اند، برای ساکنان مشکل‌تر است؛ اما در زمان جنگ ممکن است بتوان علاوه بر نظارت امنیتی بر محله، به موضوعاتی از قبیل دعوت‌کنندگی و مشارکت‌پذیری برای برخی مکان‌ها نیز فکر کرد و مردم ساکن را راحت گذاشت تا خود از برخی مکان‌های عمومی مشترک محله یا گشایش‌های جدید برای جمع‌شدن و عملکردهای جدید استفاده کنند. شاید همین پیرایش‌های اجباری، در روزگار صلح نیز هنوز بتوانند در زمره فضای عمومی شهری باقی بمانند و به مکان‌های خاطره‌انگیز جدید شهری بدل شوند و مردم بگویند: «بادش بخیر دوران جنگ چه خوب از این گوشه‌های محله استفاده کردیم!». در واقع اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیر بودن فضاهای عمومی از اصولی است که از دهه‌های گذشته در واژگان شهرسازی و مدیریت شهری مدنی در جهان جا افتاده است و بارها و بارها به شهرسازان و مردم و البته به مسئولان شهر مדר رسانده تا فضاهای مفید و زیبای مردمی خلق کنند.

خسسته باد

پارهای از کسانی که به اتهامات سیاسی در زندان هستند، اینها را آزاد کرد. این افراد اگر به خاطر برخی سیاست‌ها انتقاد داشته‌اند، اما در حفظ نظام و تمامیت ارضی کشور بسی از خیلی‌ها دلسوتر هستند و همواره در کنار مردم‌اند. باید این سرمایه‌های انسانی را در یکپارچگی و هم‌نوایی با ملت هدایت کرد.

۵- و در آخر فرمان عفو عمومی به‌ویژه برای ایرانیانی که در خارج از کشور در دوران جنگ کنار مردم ایران و در مقابل دشمن مهاجم بودند، صادر کرد و این سرمایه‌های انسانی را به سمت کشور هدایت کرد. به قول فردوسی مداراو خردورزی بر مایه کشوداری است.

مدارا خرد را برادر بود/ خرد بر سر چان چو افسر بود

مزن رای جز ب خردمند مرز/ از آیین شاهان پیشین نگرد

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول



قطعی و اختلال اینترنت چه چشم اندازی برای اقتصاد دیجیتال ایران در ۱۴۰۵ ایجاد کرده است؟

اکوسیستم اینترنتی در انتظار بازگشت اینترنت

فصل دوم: زوال نهادهای مالی و بحران سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC)

سرمایه‌گذاری خطرپذیر به عنوان سوخت اصلی موتور استارت‌آپ‌ها در ایران به‌شدت کاهش یافته است. داده‌های رسمی انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر ایران در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد اگرچه سرمایه بئبی اعضا رقم قابل توجهی است، اما مبالغ واقعا سرمایه‌گذاری‌شده در پروژه‌های فراوانه با افت شدیدی روبه‌رو بوده و از تورم عقب مانده است.

وضعیت عملکردی نهادهای واسط مالی در سال ۱۴۰۳

بررسی آمار ۱۵۰ عضو فعال انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر ایران نشان‌دهنده یک ناترازی عمیق میان ظرفیت اسمی و عملکرد واقعی است. تمرکز سرمایه‌گذاران از پروژه‌های مرحله بذر (Seed) به سمت سرمایه‌گذاری‌های شرکتی (CVC) و پروژه‌های بالغ‌تر تغییر یافته تا ریسک ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی مدیریت شود.

تعطیلی شتاب‌دهنده‌ها و فضاهای کار اشتراکی

بسیاری از مراکز نوآوری که وظیفه شتاب‌دهی به ایده‌های نوپا را داشتند، به دلیل عدم توانایی در جذب سرمایه برای تیم‌های خود و هزینه‌های بالای نگهداری فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. شتاب‌دهنده «نیوان» که یکی از مراکز شناخته‌شده در تهران بود، رسماً تعطیل شده است. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهند شتاب‌دهنده‌های باقی‌مانده نیز با ظرفیتی بسیار کمتر از توان واقعی خود فعالیت می‌کنند. با این حال، برخی مجموعه‌ها مانند «پریمیس ژن»، «هنام فارمد» و «تریک آپ» همچنان تلاش می‌کنند با تکیه بر منابع نهادهای بزرگ‌تر، بقای خود را حفظ کنند. فشارهای اقتصادی و قطعی اینترنت اصلی‌ترین دلیل رسیدن شتاب‌ده‌ها و فضاهای کار اشتراکی به این وضعیت هستند.

فصل سوم: ضربات زیرساختی و اثرات مخرب فیلترینگ

اختلالات اینترنتی و سیاست‌های مسدودسازی در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به مرحله‌ای رسیده است که تحلیلگران آن را «شوک زیرساختی» می‌نامند. این شوک نه‌تنها به کسب‌وکارهای تمام‌دیجیتال، بلکه به زنجیره تأمین صنایع سنتی نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است.

خسارات اقتصادی قطعی اینترنت در دی‌ماه ۱۴۰۴

تجربه قطعی گسترده اینترنت در دی‌ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) نشان داد هر روز قطعی اینترنت می‌تواند میلیاردها تومان خسارت مستقیم به بار آورد. برآوردهای رسمی حاکی از خسارت هزار هزار میلیارد ریالی (معادل حدود ۶۲۵ میلیون دلار) به اقتصاد دیجیتال طی ۲۰ روز اختلال است. تحقیقات بین‌المللی نیز تأیید می‌کنند قطعی اینترنت در کشورهایی با ساختار مشابه ایران، می‌تواند فعالیت اقتصادی را در کوتاه‌مدت ۲۵ تا ۳۵ درصد کاهش دهد.

پایمدهای عملیاتی برای استارت‌آپ‌ها

افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به دلیل عدم اطمینان از پایداری زیرساخت‌های حیاتی، «پریمیم ریسک» بالاتری را برای پروژه‌های ایرانی لحاظ می‌کنند که عملاً جذب سرمایه را ناممکن می‌کند. تعطیلی دائمی کسب‌وکارهای کوچک، استارت‌آپ‌های حوزه خدمت‌اتر و زیرساختی مانند «فندق» و استارت‌آپ‌های خدمات اجتماعی نظیر «هاناب» (مخصوص ناشنوایان) صراحتاً دلایل انحلال خود را کیفیت پایین اینترنت و فیلترینگ اعلام کرده‌اند. فشار بر کارآفرینان زن: اکوسیستم اینستاگرام که میزبان هزاران کسب‌وکار کوچک خانگی و تحت مدیریت زنان بود، در سال ۱۴۰۴ با فروپاشی معیشتی مواجه شد که ناشی از تداوم فیلترینگ و عدم جایگزینی پلتفرم‌های داخلی بود.

فصل چهارم: بازار کار و ابعاد روانی-اجتماعی بحران

فشار اقتصادی و ناامیدی از آینده، بازار کار حوزه فناوری را به‌شدت منقبض کرده است. در حالی که تورم همچنان با نرخ‌های بالای ۷۰ درصد می‌تازد، رشد حقوق و دستمزد متخصصان نتوانسته این شکاف را پوشش دهد و منجر به کاهش انگیزه و بهره‌وری شده است.

آمار بیکاری و تعدیل نیرو در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

گزارش‌های پلتفرم‌های کارپایی نظیر «جاب‌ویژن» در تابستان ۱۴۰۳ نشان‌دهنده یک روند نزولی نگران‌کننده در فرصت‌های شغلی است. تعداد آگهی‌های استخدامی نسبت به سال قبل هشت درصد و نسبت به فصل قبل ۱۱ درصد کاهش یافته است. همچنین، رقابت میان کارجویان ۳۸ درصد افزایش یافته که نشان‌دهنده ورود خیل عظیمی از بیکاران جدید به بازار کار است.

مشاغل در حال نابودی و شرکت‌های تعدیل‌کننده

بخش‌هایی مانند «دیجیتال مارکتینگ و سئو»، «فروش و بازاریابی» و «خدمات رفاهی» بیشترین آسیب را از کاهش قدرت خرید مردم و محدودیت‌های پلتفرمی دیده‌اند. شرکت‌های بزرگی

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

ادامه از صفحه اول

یادداشت

ایران ۱۴۰۵؛ تجلی نصرت الهی در قیام ملی واقتدار حکمرانی



علیرضا جانی

فروردین ۱۴۰۵ در تقویم تاریخ این مرز و بوم، نه‌فقط یک ماه، بلکه فصل «قیام تمام‌عیار اجتماعی» ملتی است که با بیرق پایمردی، تمام محاسبات مادی جهان را برهم زد. آنچه امروز به‌عنوان آتش‌بس ۱۵ روزه و پذیرش «طرح ۱۰اماده‌ای ایران» از طرف دشمن محقق شده، محصول تلفیق «انرژی ملی» و «ایدئولوژی اصیل» تحت عنایت خاصه پروردگار است.

۱. پیروزی در سایه رهبری و انسجام ملی
این فتح بزرگ، ثمره یکپارچگی بی‌نظیر در ارکان حکمرانی است. از سوی، تجلی خرد در شورای رهبری و تدابیر زعامت رهبری که در دشوارترین لحظات، مسیر مقاومت را ترسیم کردند و از سوی دیگر، همت جهادی ریاست محترم جمهور و هیئت دولت که در سنگر خدمت‌رسانی، اجازه گسست در زندگی مردم را ندادند. این هماهنگی مقتدرانه، دشمن را چنان متاستل کرد که تاریم مجبور شد میان فروپاشی کامل هیمنه نظامی‌اش و پذیرش شروط ایران، دومی را برگزیند.

۲. غیرت اجتماعی؛ از سنگر تا خیابان

این دفاع مقدس، تنها در مرزها نبود؛ در قلب تهران بارانی بود، آنجا که سلبیترتی وطن‌پرست در کنار بانوی ایرانی با نشان پیروزی، زیر بمباران ایستادند. در شهرکرد سرد بود که استغاثه کودکان و پیران به درگاه ولی عصر (عج)، رحمت و باران پیروزی را نازل کرد. غیرت یعنی آن نخبگان و تحصیل‌کردگانی که در روزهای سخت، به مرکز خطر بازگشتند تا بگویند «خون ما رنگین‌تر از کارگران شهرداری و پرستاران زیر بمباران نیست».

۳. سلام بر فاتحان غایب
آقاچان شهید ما! ای سرور و مقتدای ما! وای فرماندهان رشید؛ حاجی‌زاده، یاورِ، تنگسیری، پاکپور و سیدجواد عزیز... جای‌تان در این سحرگاه پیروزی خالی است. داغ شهادت شما و مظلومیت کودکان مینایی، زخمی است که هرگز سرد نخواهد شد؛ اما بدانید پرچمی که در خون غلنید، امروز بر فراز جهان می‌درخشد. فرصت سوگواری طولیل نداریم، چراکه ایران امید، نیازمند ایستادن در سنگر «نظم چهارم جهانی» است.

۴. هشدار تاریخی؛ مراقب «تنگه احد» باشیم
ما به تدابیر حکمرانان و ش شورای عالی امنیت ملی اعتماد داریم، اما یادمان نمی‌رود که دشمن، دغل‌باز است. آتش‌بس نباید به معنای رهاکردن سنگرها باشد. دست نیروهای مسلح باید همچنان بر «ماشه» و چشم نخبگان «هشت‌جشمی» بر میز مذاکره باشد. مبدا واقعه احد تکرار شود؛ تنگه هرمز باید با قواعد ایران گشوده شود و نظام اخذ عوارض از نخستین ساعت فعال شود.

۵. طلیعه نظم جدید جهانی
تبریک به استادان و نخبگان جبهه فکری که صورانه هندسه این پیروزی و ابعاد نظم جدید جهانی را برای ملت تشریح کردند. ایران امروز، با تکیه بر «میدان» و «دیپلماسی»، از ویرانه‌ها، شکر نوآوری و اقتدار خواهد ساخت. شکر بیکران به درگاه احدیت که جبار المنقم و قاصم شوکه المعتدین است.

الله اکبر به این همه عظمت
یا من اذا تضایتقت الامور فتح لنا باب لم تذهب لها اوهام.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰